

سناریوی چندجانبه‌گرایی در نظم پساکرونا و راهبرد سیاست‌گذاری ایران در آن

حمید احمدی‌نژاد^۱، * ارسلان قربانی شیخ‌نشین^۲

۱. پژوهشگر سادکتری روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
۲. استاد گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

چکیده

تاریخ باستان همواره شاهد علاقه انسان‌ها برای پیش‌بینی آینده بوده است. اما پاسخ به این علاقه در دوره‌های باستان بیشتر محصول گمانه‌زنی‌ها بوده است. بنابراین جذابیت شناخت آینده و اتکای گمانه‌زنی بر خطا و خیال سبب شد تا روند گرایش به دانستن آینده بر پایه تفکر سیستماتیک و بهره‌گیری از داده‌های علمی قرار گیرد. این تفکر سیستماتیک که آینده‌پژوهی یا علم تشخیص آینده نامیده می‌شود، امروزه جایگاه مهمی به‌دست آورده است. این جایگاه به‌ویژه در عصری که می‌توان آن را عصر بحران‌های مکرر نامید اهمیت دوچندانی دارد. زیرا در عصر بستر بحران‌ها، وجود ردپایی از آینده می‌تواند ضمن اینکه از غافگیری جلوگیری کند، دولت‌ها را در کاهش آسیب‌ها و آمادگی برای به‌کارگرفتن بهترین تصمیم‌گیری کند. در این پژوهش به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که چندجانبه‌گرایی در نظام پساکرونا مبتنی بر چه نوع سناریویی خواهد بود و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در این سناریو چه باید باشد؟ با توجه به روش آینده‌پژوهانه، فرضیه‌ای در پاسخ به این پرسش ارائه ندادیم و یافته‌ها در چارچوب سناریوسازی و بهره‌گیری از رویکرد تلفیقی نشان داد که چندجانبه‌گرایی سناریویی مطلوب در دنیای پساکروناست و ایران به‌عنوان بازیگری بالقوه، نیازمند کاربست راهبردهایی ویژه برای سهیم‌شدن در ایجاد این نظم مطلوب است.

تاریخ دریافت: ۱۲ تیر ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۹ فروردین ۱۴۰۲

تاریخ انتشار: ۲۵ خرداد ۱۴۰۲

کلیدواژه‌ها:

آینده‌پژوهی، بحران کوید
۱۹، چندجانبه‌گرایی،
سیاست خارجی ایران، نظام
بین‌الملل.

* نویسنده مسئول:

دکتر ارسلان قربانی شیخ‌نشین
نشانی:

استاد گروه روابط بین‌الملل، دانشکده
حقوق و علوم سیاسی دانشگاه
خوارزمی، تهران، ایران
پست الکترونیک:
ghorbani@khu.ac.ir

استناد به این مقاله:

احمدی‌نژاد، حمید، قربانی شیخ‌نشین، ارسلان (۱۴۰۲). سناریوی چندجانبه‌گرایی در نظم پساکرونا و راهبرد سیاست‌گذاری ایران در آن. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، (۱۵)، ۲۵-۱.

۱. مقدمه

تصویرسازی از آینده همواره مورد توجه اندیشمندان سیاسی بوده است. بنابراین سنت سیاسی و ادبیات بسیاری با هدف رویارویی با آرمان‌شهر یا جهان‌های بدیل در عرصه روابط بین‌الملل ارائه شده است. با گذشت زمان، اگرچه پیش‌بینی به یکی از روش‌های استاندارد و معمول در حوزه روابط بین‌الملل تبدیل شد، پیش‌بینی آینده کار آسانی نیست و این امر به‌ویژه در خصوص سیاست بین‌الملل که عوامل نامطمئن زیادی در آن دخیل هستند کار سخت‌تری خواهد بود. ولی این به معنای ناتوانی مطلق در تصویرسازی از آینده نیست. بر همین اساس در دهه‌های اخیر رویکرد سناریوسازی برای پیش‌تصویرسازی از آینده در میان اندیشمندان روابط بین‌الملل سرعت گرفته است. با وقوع پاندمی کرونا به‌عنوان بحرانی جهانی که همه سطوح نظام بین‌الملل را متأثر کرد، توجه به سناریوپردازی برای ترسیم نظم آینده بعد از این بحران به‌شدت شیوع پیدا کرد و هر اندیشمندی از منظر خود به این ترسیم‌سازی پرداخت. با توجه به اهمیت این بحران و امکان ایجاد تغییرات در دنیای پس از آن که برخی حتی آن را نقطه‌ای برای تقسیم جهان به پیش و پس از آن می‌دانند، آگاهی از نظام آینده می‌تواند برای هر دولتی بسیار با اهمیت باشد. بنابراین در این پژوهش می‌خواهیم نشان دهیم که از بین وجوه سه‌گانه سناریو (محتمل، باورپذیر و مطلوب)، چندجانبه‌گرایی مبتنی بر کدام نوع خواهد بود و در آن ایران باید چه راهبردهایی به کار گیرد. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش با به‌کارگیری ترکیبی از مدل‌های کمی و کیفی انجام شده است. در بخش کیفی از روش اسنادی-کتابخانه‌ای استفاده کرده‌ایم و در بخش کمی نیز اجماع‌نخبگی (دلفی) براساس یک پرسشنامه مبنای گردآوری داده‌ها و تنظیم سناریو است.

۲. پیشینه پژوهش

در این مقاله بر تصویر چندجانبه‌گرایی در نظم پساکرونا و نیز راهبرد سیاست‌گذاری ایران در این نظم تمرکز کرده‌ایم که در آثار بررسی شده جای خالی آن کاملاً محسوس است. برخی از آثار مشابه را می‌آوریم. شمسینی (۱۳۹۹) در مقاله «تأثیرات کرونا بر حکمرانی ایران»^۱ به این نتیجه رسیده است که تأثیرات کرونا بر ایران در برخی موضوعات همانند تحول در سبک زندگی مانند سایر کشورها بوده است، اما در بعد تعامل دولت و شهروندان این تأثیر با سایر کشورها تفاوت داشته است. فرازی (۱۴۰۰) در مقاله «کارکردهای دیپلماسی دوجانبه و چندجانبه در مقابله با شیوع و مدیریت و ویروس

1. Effects of Coronavirus on Governance in Iran

کرونا؛ مطالعه نقش و عملکرد وزارت امور خارجه ایران»^۲ نقش وزارت خارجه ایران را در مقابله با این ویروس با اتکا به دیپلماسی چندجانبه بررسی کرده است. آکالپ (۲۰۲۰) در تحلیل «کووید ۱۹ و روابط بین الملل»^۳ با تأکید بر جهانی بودن بحران کرونا معتقد است با توجه به اینکه جامعه بین الملل پس از بحران های جهانی، نهادهای جدید و بین المللی ایجاد کرده است، پس از وقوع این بحران نیز شاهد تلاش برای بهبودی، تغییر توازن و روابط جدید خواهیم بود.

۳. چارچوب نظری پژوهش

مطالعات آینده حوزه پژوهشی به نسبت جدیدی است که قلمرو آن همه عرصه های معرفت نظری و علمی را دربر گرفته است و نتایج آن می تواند تأثیرات بسیاری در هریک از این عرصه ها داشته باشد. در واقع رویکرد نگاه به آینده، چشم انسان را نسبت به رویدادها، فرصت ها و تهدیدات احتمالی باز کرده است و تردیدها را کاهش می دهد. از این رو این رویکرد سبب می شود همگان بدانند به کجا می توانند بروند (اکتشاف) و به کجا باید بروند (هنجاری) (Maleki, 2016: 74). آینده پژوهی معادل Futures Study در زبان لاتین است. کلمه Futures به این دلیل به صورت جمع استفاده می شود که با استفاده از طیف گسترده ای از رویکردها و به جای تصور فقط یک آینده می توان چندین آینده را تصور کرد. آینده پژوهی شناخت اصولی، علمی و منظم آینده و در همان حال غیر قطعی و ابطال پذیر است. در حالی که مقولاتی مانند آینده بینی بعضی خرافی، تخیلی و اشراقی است. بنابراین در گام نخست باید تأکید کرد که آینده پژوهی به تفکری احتمالی برای کشف و ارزیابی و بررسی آینده است (Mozafari, 2008: 29). هدف اصلی آینده پژوهان حفظ یا بهبود رفاه بشریت و ایجاد ظرفیت های پایدار زندگی در زمین است (Slaughter, 1996: 9). بسیاری اوسپ را بنیان گذار آن می دانند و پس از او از واگن فور آلمانی به عنوان پیشگام این رویکرد نام می برند (Schreiber and Berge, 2019: 9). در قرن بیستم این رویکرد متأثر از فشار جنگ های واقعی و احتمالی، نیاز به راهبردهای نظامی و درک بهتر مسائل جهانی به سرعت رشد کرد. در دهه ۱۹۵۰ با انتشار کتاب «تصویر آینده» پولاک^۴ و سپس کتاب «هنر حدس زدن» وتل^۵ در سال ۱۹۶۴ به طور رسمی رشته آینده پژوهی شناخته و پس از آن به مرور به مراکز مطالعاتی راه یافت (Vaezi, Qomian and Vaqfi, 2016: 35) و در اواخر دهه

2. Function of Bilateral&Multilateral Diplomacy in combating the spread and management of Corona Virus: Case study of Iran's Ministry of Foreign Affairs

3. COVID-19 and International Relations

4. Pollock

5. Vattal

۱۹۶۰ نیز انجمن جهانی آینده^۶ و در اوایل دهه ۱۹۷۰ فدراسیون جهانی آینده‌پژوهی^۷ شکل گرفت (Saleh and El-Shishiny, 2008: 38). بنابراین دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به عصر طلایی آینده‌پژوهی تبدیل شدند. امروزه نیز رویکردهای آینده‌پژوهانه سهم مهم و قابل توجهی را در میان علوم گوناگون به خود اختصاص داده است و این نشان از اهمیت و جایگاه روزافزون آن دارد. زیرا این رویکرد تلاشی در جهت روش‌مند کردن فرضیه‌ها و برداشتهای ما درباره آینده است که این برداشتهای سه دسته آینده‌های احتمالی (هنر آینده‌گرایی)، استنتاج آینده‌های ممکن (علم آینده‌گرایی) و استنتاج آینده‌های مطلوب (سیاست و روانشناسی آینده‌گرایی) تقسیم می‌شوند (Eyvazi, 2015: 179).

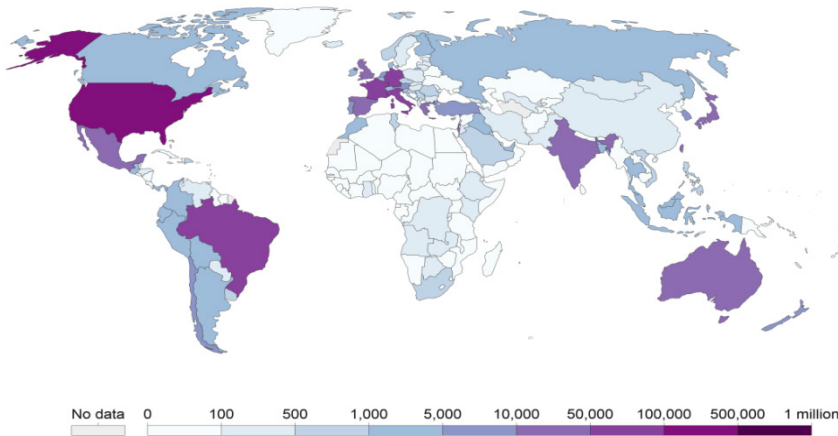
۴. بحران کرونا، از روایت نظم نوین تا چالش‌های چندجانبه‌گرایی

سازمان بهداشت جهانی در ۱۱ مارس ۲۰۲۰ ویروس کرونا را بیماری همه‌گیر جهانی اعلام کرد. نقشه پراکندگی جهانی کرونا براساس موارد تأییدشده روزانه در هر میلیون نفر تا ۳۰ ژوئن (تاریخ نگارش این پژوهش) به صورت شکل ۱ است.

Daily new confirmed COVID-19 cases, Jun 29, 2022

7-day rolling average. Due to limited testing, the number of confirmed cases is lower than the true number of infections.

Our World
in Data



Source: Johns Hopkins University CSSE COVID-19 Data

CC BY

شکل ۱. نقشه روزانه پراکندگی کرونا در جهان Source: Our World in Data

6. World Future Society
7. World Future Studies Federation

بنابر این نقشه، کرونا با شیوع در ۲۲۳ کشور از روسیه تا واتیکان به‌عنوان گسترده‌ترین و کوچک‌ترین کشورها گرفته تا چین به‌عنوان پرجمعیت‌ترین کشور جهان، همه مناطق را در بر گرفت. گستره جهانی این بیماری در کنار تأثیرات آن بر همه وجوه زندگی سبب شد بیشتر اندیشمندان آن را بحرانی عمیق و نویدبخش نظامی نوین پیش‌روی جهان بدانند. تأثیرات کرونا بر تمدن بشری را می‌توان ترکیبی از همه پاندمی‌ها از دوران باستان تا امروز دانست (Dasgupta and Crunkhorn, 2020: 7). بنابراین برخی از تحلیلگران برجسته از کرونا به‌عنوان شتاب‌دهنده روندهایی که اکنون در سیستم بین‌المللی در حال انجام است نام می‌برند (Hicks, 2020: 349). این بحران به‌دلایلی مانند استمرار، پیدایش تدریجی چالش‌های بنیادی در حوزه زندگی، اندیشه، عمل و آمادگی ملموس فرهنگ‌ها و ملل و حتی برخی از دولت‌ها برای رسیدن به تغییراتی اساسی در آینده می‌تواند زمینه‌ساز تحول در نظام بین‌الملل باشد. به‌نظر می‌رسد این بحران، دست‌کم شروعی برای تغییرات مهم بعدی باشد (Omid, 2020: 81). به این ترتیب بیشتر اندیشمندان آن را منجر به تغییرات اساسی در ژئوتیپ تمدن و انتقال به دوران تاریخی جدیدی تصور می‌کنند (Sayamov, 2021: 19). پاندمی کرونا به‌طور قابل توجهی دنیا را تغییر داده است، بنابراین اگر گفته شود این رویداد چرخشگاهی برای ایجاد نظم نوینی در جهان است چندان تعجب‌آور نیست (Hosseinin, 2021). با وجود اختلاف نظرهایی که در خصوص نوع این نظم نوین وجود دارد، عواملی مانند بازگشت اقتدارگرایی، تضعیف جهانی شدن، انتقال قدرت از غرب به شرق، تغییر شیوه‌های حکمرانی و تشدید تقابل قدرت‌های بزرگ، عناصر تقریباً مشترک مورد نظر اندیشمندان است.

یکی از مهم‌ترین مواردی که در کنار ادعای ایجاد نظم نوین پسا‌کرونا بی‌مطرح شد، بحران در چندجانبه‌گرایی برای غلبه بر چالش‌های کرونا بود. به بیانی، با وجود اینکه بحران کرونا نیازمند حرکت و همکاری جهانی و چندجانبه بود، در عمل دولت‌ها در مسیر خودانگاری و تلاش برای بقا قرار گرفتند. برای نمونه، ایالات متحده به‌دنبال تأمین تجهیزات پزشکی خود بود، کشورهای اروپایی در هماهنگی سیاست‌ها شکست خوردند و چین و آمریکا نیز بر سر القای رهبری خود در مبارزه با کووید ۱۹ با هم دچار چالش شدند و این دقیقاً غلبه و اولویت‌یافتن اهداف ملی بر همکاری و اقدام جمعی بود. ردپای این چالش، در نهادهای بین‌المللی که زمینه تقویت سطوح بالای همکاری هستند نیز به

چشم آمد. برای نمونه، گروه ۷ در نشست سران خود در مارس ۲۰۲۰ ناکام ماند و تنها با بیانیه‌ای مبهم بر تقویت همکاری‌های پژوهشی و انجام «هر کاری که لازم است» برای مقابله با پیامدهای اقتصادی بحران تأکید کرد. سازمان بهداشت جهانی نهادی که در مرکز بحران قرار دارد و در روند جریان اطلاعات مربوط به کرونا بسیار مهم است، به دلیل اعلام شروع همه‌گیری در اواخر ۱۱ مارس که در آن زمان به ۱۱۳ کشور گسترش یافته بود، نه تنها منجر به همکاری نشد، بلکه مورد مناقشه نیز قرار گرفت (Basrur and Frederick, 2021: 5). شواهد نشان می‌دهد اگرچه چندجانبه‌گرایی پیش از وقوع بحران‌ها به‌عنوان رویکردی اساسی برای مقابله با چالش‌های سخت جهانی برآورد می‌شود، واکنش‌های ملی در آغاز کووید ۱۹، ابتکارهای چندجانبه و حتی منطقه‌ای را بهم ریخت. بنابراین جهان بدون مرز و جهانی‌گرایی اگرچه هنجار به‌نظر می‌رسد، این بحران سبب شد نقش دولت به‌شکل جدی احیا و دوباره در همه سیاست‌ها و حوزه‌هایی که موضوع حکمرانی جهانی بود بازگردد (Grizold and Jaklič, 2021: 989). بر همین اساس با وجود اینکه گمان می‌شد این بحران سبب همکاری بین‌المللی شود، در واقعیت به این گرایش دارد که روندهای موجود دشمنی در جهان را شدت و سرعت بخشد و موجب ضدجهان‌وطنی شود (SHariati and Yousefi, 2020: 131).

۵. پیشران‌های مؤثر بر ترسیم سناریو

در این پژوهش برای شناسایی پیشران‌ها، به‌جای روش عمودی، از روش معمول یعنی افقی استفاده کرده‌ایم. در روش افقی عناصر مؤثر در سناریو مبتنی بر تکنیک مثلث‌سازی یعنی به‌کارگیری منابع و روش‌های متنوع در حوزه‌هایی مانند سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و سازماندهی می‌شوند. براساس این روش، یک وجه دستیابی به عناصر مؤثر در ترسیم سناریوی این پژوهش مطالعات اسنادی و وجه دیگر پرسشنامه نیمه‌ساختمند است که سرانجام نتایج این دو وجه در قالب یک پرسشنامه ذیل چهار متغیر و مبتنی بر ۳۵ کلان‌روند در معرض پاسخ ۳۰ نفر از استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی روابط بین‌الملل قرار گرفت تا به هرکدام از آن‌ها امتیاز بدهند. پس از جمع‌بندی و تحلیل نظرات جامعه آماری، موارد زیر به‌عنوان پیشران در ترسیم سناریو به‌دست آمد.

جدول ۱. پیشران‌های مؤثر بر سناریو

پیشران‌ها	کلان روندها
نظامی	وقوع جنگ بین چین و آمریکا
	وقوع جنگ جهانی
	درگیری نظامی آمریکا با قدرت‌هایی مانند روسیه
اقتصادی	تشدید جهانی شدن
	همگرایی اقتصادی چین و آمریکا
	بحران در نظام سرمایه‌داری
سیاسی	رواج اقتدارگرایی
	رواج جهان‌وطن‌گرایی
	تقویت نهادها و رژیم‌های بین‌المللی
محیطی	اجماع جهانی اصلاح سازمان‌های بین‌المللی
	فروپاشی برخی از نهادهای جهانی
	بحران پیش‌بینی‌ناپذیر (بیماری جهانی، جنگ، بحران اقتصادی و...)

Source: Author

۶. تنظیم سناریو

برای ترسیم سناریو و پاسخ به آن که چه چیزی رخ می‌دهد؟ به داده‌های عینی نیاز داریم. برای کسب این داده‌ها و سپس ترسیم سناریو، یک پرسشنامه به صورت انتخاب‌های چندگانه و به شیوه لیکرت مبتنی بر عناصر پیشران طراحی کردیم. پرسشنامه پیش از نهایی شدن به صورت پیش‌آزمون اجرا و پیشنهادهای مختلف در راستای اصلاح و رسیدن آن به سطح کیفی مطلوب ارزیابی شد و پس از تأیید روایی و پایایی در اختیار نخبگان قرار گرفت. جدول ۲ میزان آلفای کرونباخ پرسشنامه را نشان می‌دهد.

جدول ۲. میزان آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

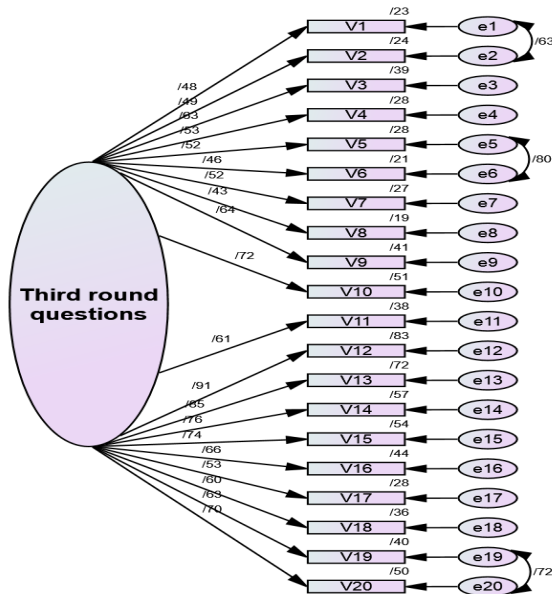
متغیرها	تعداد گویه	میزان آلفا
کل پرسشنامه	۲۰	۰/۹۸۹

Source: Author

همچنین جدول و نمودار زیر نتایج تحلیل عاملی تأییدی پرسش‌های پژوهش در دور سوم (رسیدن جامعه آماری به اجماع) را نشان می‌دهد.

جدول ۳. نتایج تحلیل عاملی تأییدی پرسش‌های پژوهش

پرسش‌ها	بار عاملی	سطح معنی داری
۱	۰/۵۱۷	۰/۰۰۰
۲	۰/۵۱۷	۰/۰۰۰
۳	۰/۶۴۴	۰/۰۰۰
۴	۰/۵۵۴	۰/۰۰۰
۵	۰/۵۴۴	۰/۰۰۰
۶	۰/۴۷۹	۰/۰۰۰
۷	۰/۵۳۷	۰/۰۰۰
۸	۰/۴۳۹	۰/۰۰۰
۹	۰/۶۳۸	۰/۰۰۰
۱۰	۰/۷۱۰	۰/۰۰۰
۱۱	۰/۶۲۱	۰/۰۰۰
۱۲	۰/۹۰۱	۰/۰۰۰
۱۳	۰/۸۳۴	۰/۰۰۰
۱۴	۰/۷۵۹	۰/۰۰۰
۱۵	۰/۷۴۴	۰/۰۰۰
۱۶	۰/۶۴۱	۰/۰۰۰
۱۷	۰/۵۲۴	۰/۰۰۰
۱۸	۰/۵۹۶	۰/۰۰۰
۱۹	۰/۶۳۰	۰/۰۰۰
۲۰	۰/۶۹۹	۰/۰۰۰



شکل ۲. الگوی تحلیل عاملی تأییدی Source: Author

جدل و نمودار تحلیل عاملی پرسش‌ها نشان می‌دهد که مقدار بارهای عاملی تقریباً در همه پرسش‌ها بالاتر از ۰/۵۰ و با توجه به سطح معنی‌داری (sig > 0/05) می‌توان نتیجه گرفت که گویه‌ها به خوبی داده‌ها را می‌سنجد.

نمونه‌گیری پژوهش هدفمند بود که براساس آن سوژه‌هایی با سه شرط داشتن مدرک تحصیلی دکتری در زمینه آینده‌پژوهی، روابط بین‌الملل و علوم سیاسی، حداقل مرتبه استادیاری و پیشینه ده سال تدریس در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی به تعداد ۱۰ نفر انتخاب شدند. پس از نمونه‌گیری و توزیع پرسشنامه، پاسخ‌های نخبگان جمع‌آوری و نظرات آن‌ها در قالب جدول و نمودار میزان و درصد فراوانی ارزیابی شد. توضیح جدول‌ها و نمودارها انجام و دسته‌بندی شد. مشخص شد که پاسخ‌دهندگان از ۲۰ پرسش پژوهش نسبت به ۱۱ پرسش آن اختلاف نظر دارند. به این ترتیب با توجه به نبود اجماع نسبی در خصوص این پرسش‌ها، دوباره پرسشنامه همراه

با تحلیل پاسخ‌های هر پاسخ‌دهنده بدون اشاره به نام در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار گرفت تا مشخص شود آیا تحت تأثیر ملاحظه عقاید دیگران نظر خود را تغییر می‌دهند یا خیر. پس از جمع‌آوری دوباره پاسخ‌ها و تحلیل آن‌ها مشخص شد پاسخ‌دهندگان در ۶ پرسش از موارد اختلاف به اجماع رسیدند و ۵ پرسش با اندک تفاوتی همچنان مورد اختلاف پاسخ‌دهندگان بود. در فاز سوم نتایج پرسشنامه در اختیار جامعه آماری قرار گرفت که پس از تحلیل نتایج مشخص شد پاسخ‌دهندگان درباره همه پرسش‌ها به اجماع رسیده و از نظر آن‌ها احیای چندجانبه‌گرایی در نظم آینده از میان سه نوع باورپذیر، محتمل و مطلوب، یک سناریوی مطلوب خواهد بود. جدول ۴ روند سه راند پرسشنامه برای ایجاد هماهنگی در میان جامعه آماری را نشان می‌دهد.

جدول ۴. ضریب هماهنگی کندال در سه دور دلفی

متغیر	ضریب کندال	سطح معنی‌داری
دور اول	۰/۴۸۲***	۰/۰۰۸
دور دوم	۰/۵۶۲***	۰/۰۰۰
دور سوم	۰/۷۲۷***	۰/۰۰۰

Source: Author

به این ترتیب در مرحله آخر با توجه به داده‌های حاصل، پیرنگ داستان یا آنچه باید اتفاق بیفتد، دلیل اتفاق و روابط بین رویدادها توضیح داده و وضعیت کنونی به وضعیت مطلوب، هنجاری و مورد انتظار مرتبط شد. برای شرح پیرنگ باید نامی انتخاب می‌شد و از آنجا که نام‌ها القاکننده سناریوها هستند؛ در نتیجه، براساس شاخص اصلی این سناریو سرزمین‌ال‌دورادو نامیده شد.

شکل ۳. سناریوی چندجانبه‌گرایی در نظم پسا کرونا

سناریوی مطلوب	شاخص
سرزمین‌ال‌دورادو: احیای چندجانبه‌گرایی اصلاح‌شده	دستیابی سخت به آن

Source: Author

۷. سناریوی مطلوب: سرزمین ال‌دورادو، احیای چندجانبه‌گرایی اصلاح‌شده

آیا روح همکاری بین‌المللی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی پس از کرونا احیا خواهد شد یا تمایلات ملی‌گرایی بر آن غلبه خواهد کرد؟ این پرسشی است که بسیاری از حامیان همکاری بین‌المللی را نگران کرده است. آنچه بر این نگرانی دامن زد این بود که در موارد متعددی سلطهٔ ذهنیت «اول ما» در مبارزه با بحران کرونا در نظام بین‌الملل وجود داشت. در نتیجه، در حالی که اصول و نهادهای چندجانبه تا حدی بر چگونگی برخورد بین‌المللی با این بیماری همه‌گیر تأثیر گذاشتند، نتایج همکاری در بهترین حالت متفاوت و ناامیدکننده بود (Alham-madi, 2022: 167). از مهم‌ترین دلایل این مسئله، اعتمادداشتن به نهادهای چندجانبه، منافع ملی، سیاست قدرت، بی‌کفایتی نهادها، افزایش تمایلات ملی‌گرایانه و پوپولیستی بود که می‌توان آن‌ها را در مفاهیمی مانند تهدید حاکمیت، ثبات هژمونیک و کناررفتن ارزش‌های دموکراتیک در نهادهای جهانی طبقه‌بندی کرد (Gupta and et al, 2021: 7).

بنابراین با شیوع پاندمی کرونا نارضایتی عمیقی از ناتوانی چندجانبه‌گرایی در مبارزه با این بحران به وجود آمد. این بحران نشان‌دهندهٔ یک پارادوکس بود، زیرا با وجود ماهیت آشکار فراملی و جهانی این بیماری، این ملی‌گرایی و منطق قدرت بود که غالب شد. از این‌رو برخی این بیماری را شکستی مهلک برای چندجانبه‌گرایی دانستند (Telò, 2020: 15). البته باید تأکید کرد که حتی پیش از شیوع کووید ۱۹ دو دیدگاه خوشبینانه و بدبینانه در مورد چندجانبه‌گرایی و امکان تداوم‌داشتن یا تداوم‌نداشتن آن وجود داشت. از یک‌سو کسانی از نبود نتایج همکاری بین‌المللی به‌وسیلهٔ نهادهای چندجانبه صحبت می‌کردند و از سوی دیگر، برخی معتقد به توانایی چندجانبه‌گرایی برای دستیابی به اجماع در مورد مسائل جهانی در دنیای به‌هم‌پیوسته بودند. از جمله تلاش‌های طرفداران این گروه می‌توان به اتحاد برای چندجانبه‌گرایی اشاره کرد که در سال ۲۰۱۸ با تشویق فرانسه و آلمان شکل گرفت (Torresi, 2021: 51). در این میان همه‌گیری ویرس کرونا دیدگاه دوم را برجسته‌تر و تلاش برای نهادهایی با قدرت و نفوذی که بتوانند به تقویت سازوکارهای همکاری بین‌المللی کمک و حکمرانی مؤثر جهانی را تضمین کنند، ضروری کرد. به این ترتیب با وجود همهٔ چالش‌ها و موانعی که بر سر راه همکاری بین‌المللی در جریان مبارزه با کووید ۱۹ وجود داشت، این بحران جهانی بار دیگر توجه و حمایت از سازوکارهای همکاری چندجانبه را در دستور کار قرار داد. بدین‌سان، حتی با در نظر گرفتن اینکه سازمان‌های بین‌المللی با وجود مشکلاتی که با آن‌ها مواجه هستند و

تأحدودی استحقامشان را تضعیف کرده است، همچنان به عنوان پلتفرم‌های محوری نظام بین‌الملل باقی خواهند ماند. نیاز به بقای همین پلتفرم‌ها سبب شد تا آنتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل متحد به مناسبت روز جهانی چندجانبه‌گرایی و دیپلماسی برای صلح در ۲۴ آوریل ۲۰۲۰ اعلام کند «همه‌گیری کووید ۱۹ یادآور غم‌انگیزی است از اینکه چقدر عمیقاً به هم متصل هستیم. این ویروس هیچ مرزی نمی‌شناسد و چالش اساسی جهانی است. مبارزه با آن مستلزم این است که به‌عنوان یک خانواده انسانی با هم کار کنیم» (United Nations, 2020).

بنابراین قطعی و مشخص است که پس از کرونا ما در دنیایی زندگی خواهیم کرد که در آن امنیت، بیشتر از آنکه به تعادل قدرت وابسته باشد، به فرارفتن از آستانه همکاری هم با متحدان و هم با دشمنان بستگی خواهد داشت (Allison, 2020: 390). با توجه به اهمیت حیاتی این موضوع می‌توان گفت بحران کرونا پیامدهای مستقیمی در رابطه با همکاری‌های بین‌المللی ایجاد کرد. به این معنا که اگرچه در دوران شیوع آن شاهد افزایش ملی‌گرایی و احیای نقش دولت‌های ملی بوده‌ایم، در همان حال نیاز حیاتی به همکاری را نیز برجسته کرده است. بر همین اساس، نظام پس از کرونا نشان‌دهنده فرصت جدیدی برای اقدام و رسیدگی به چالش‌های چندجانبه‌گرایی و هموارکردن مسیر برای بهبود آن است. بدین صورت که با واکنش هماهنگ جهانی اعتماد شهروندان و نخبگان سیاسی به چندجانبه‌گرایی باز گردد و عملکرد جدیدی را برای آن جهت مقابله با چالش‌های پیش‌رو در دهه‌های آینده ایجاد شود. از آنجا که روایت‌ها جهان را می‌سازند، مهمترین بُعد روایی بحران کرونا ایجاد احساس یکپارچگی بی‌سابقه جهانی بود. زیرا این بحران یکپارچگی ژئوکالچر را تعمیق و تثبیت، ژئواکونومی را به آستانه یکپارچگی نزدیک و ژئوپلیتیک را وارد فاز یکپارچگی کرد. کرونا با تقلیل اهمیت جغرافیای ملی و محلی و ترویج و تثبیت رویه‌های و اقتصاد جهانی و نیز مستحکم کردن شبکه ارتباط سایبری در راستای مکان‌زدایی عمل کرد. سرانجام اگر این فرایند با کاتالیزور تازه‌ای که همانا کرونا است محقق شود نظام شبکه‌ای جهانی تکمیل و به مرحله بافتار خواهد رسید. این نظام شبکه‌ای که برخی به صورت ارگانیک و برخی دیگر با مشوق‌های نهادی تقویت می‌شوند، پیوندی ایجاد خواهد کرد که دولت‌ها را به‌جای اینکه فاصله‌شان را بیشتر کند به یکدیگر متصل می‌کند، به‌ویژه که تاریخ معاصر نیز نشان داده است تکامل سیاسی اصیل، قراردادهای جدید اجتماعی و سیستم‌های چندجانبه حاکمیتی

(نمودهای نظام شبکه‌ای) ممکن است به دنبال بحرانی بزرگ رونق پیدا کنند^۸ (Pugliese, 2020: 1). در خصوص تأثیر کرونا بر این فرایند روایت‌سازی مبتنی بر مکان‌زدایی و اصلاح نظام چندجانبه‌گرا امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در مصاحبه‌ای با فایننشال تایمز گفت: «چندجانبه‌گرایی همیشه پس از جنگ‌های بزرگ جهانی بهترین ساعت‌های خود را داشته است و اکنون ما در حال تجربه یک شوک بزرگ جهانی هستیم. بنابراین زمان آن فرا رسیده است که در چندجانبه‌گرایی تجدیدنظر کنیم». منظور از این تجدیدنظر این است که بخش عملکردی نظم جهانی موجود حفظ و سازمان‌های بین‌المللی به جای کنار گذاشته شدن تقویت شوند. در همین زمینه تدروس آدهانوم^۹، مدیرکل سازمان بهداشت جهانی نیز معتقد است جهان به طرح دیگر، سیستم دیگر، سازوکار دیگر یا سازمان دیگری نیاز ندارد، بلکه باید سیستم‌ها و سازمان‌هایی را که دارد تقویت کرد (Jiemian, 2020: 15).

به این ترتیب بحران کرونا ثابت کرد که در جهان بسیار وابسته، دنیای پس از آن شاهد وابستگی متقابل بیشتری خواهد بود و نیاز به هماهنگی سیاسی در مدیریت بحران بیماری‌های همه‌گیر، بلایای طبیعی و تغییرات آب‌وهوایی نیروی محرکه این وابستگی خواهد بود، موضوعی که در نشست‌های گروه بیست و گروه هفت به شدت بر آن تأکید شد. در نتیجه، اگرچه دنیا در دوران کرونا شاهد جایگزینی سیاست‌های ناسیونالیستی در مقابل انترناسیونالیستی بود، واضح است که این مسئله بیشتر مبتنی بر پاسخ رضایت‌بخش به چالش‌های کرونا و به بیانی به دلیل در دسترس بودن گزینه‌های سیاسی موجود انجام شد، پس حتی با وجود سلطه کوتاه‌مدت سیاست‌های ملی‌گرایانه، در دنیای پساکرونا به دلیل اینکه بحران کووید ۱۹ نشان داد پدیده‌های با ماهیت جهانی مانند فجایع اقلیمی، رکودها، همه‌گیری‌ها با ابزارهای کلاسیک قدرت ملی قابل حل نیستند؛ در نتیجه باید منتظر گسترش همکاری‌های بین‌المللی بود. به بیانی کرونا به‌طور واضح نشان داد اقدامات مجزا نمی‌تواند مشکلات جهانی را که نیاز به راه‌حل‌های جهانی دارند حل کند و چندجانبه‌گرایی دقیقاً برای رسیدگی به موقعیت‌هایی مانند این ایجاد شده است. اقدامات یونسکو در حوزه فرهنگ و آموزش یکی از بارزترین نمونه‌های موفقیت سیستم چندجانبه‌گرا در این بحران بود. جنبش ResiliArt^{۱۰} در حوزه فرهنگ و ایجاد

۸. این سناریو را فوکویاما ارزیابی کرده است.

9. Tedros Adhomom

۱۰. ResiliArt: جنبشی با هدف حمایت از تنوع فرهنگی و نیز افزایش آگاهی‌دادن به هنرمندان درباره کرونا

ائتلاف جهانی برای آموزش از راه دور در بیش از ۱۱۰ کشور جهان برای جلوگیری از متوقف نشدن آموزش، اقداماتی بود که یونسکو در آن نشان داد کووید ۱۹ آزمون و فرصتی بزرگ برای احیای پرقدرت چندجانبه‌گرایی است که با سازوکارهای زیر می‌توان بقای آن را در نظام پسا کرونا تضمین کرد: ۱. تغییر سیاست خارجی ایالات متحده از خودکامگی به رویکردی محتاطانه است. در این سازوکار لازم است که آمریکا به‌عنوان ابرقدرت مورد مناقشه، به‌جای هژمون در نقش یک متحدکننده همگرایی را با ترتیبات چندجانبه تسهیل کند؛ ۲. ایجاد ارتباطات جدید بین دولت‌ها، جوامع و نهادها است. در این ارتباط طرح کوواکس با رهبری اتحادیه اروپا و هماهنگی سازمان بهداشت جهانی نشانه اولیه‌ای از چندجانبه‌گرایی آینده بود (Frederico Pereira da Silva Gama, 2021: 2). 3. تغییر گفت‌وگوهای بین‌المللی از مسیر منافع مشترک به بیزاری^{۱۱} مشترک است. منافع مشترک بر تجارت، فناوری، مذاکرات تأکید دارند در حالی که بیزاری مشترک، اجتناب از تهدیدهای مشترک است. بنابراین مفهوم بیزاری مشترک شامل همکاری بیشتر و اجباری‌تر خواهد بود. طرح ائتلاف برای زیرساخت‌های مقاوم در برابر بلایا^{۱۲} در نشست سازمان ملل در سال 2019 توسط نخست‌وزیر هند نمونه‌ای از مذاکره بر پایه بیزاری مشترک است (Gupta and et al, 2021: 4). ۴. اصلاحات نهادی برای ترویج چندجانبه‌گرایی مؤثر و کارآمد است. سازوکارهای چندجانبه باید حداقل دو کارکرد داشته باشد، یکی کارکرد رهبری سیاسی و دیگری کارکرد مشورتی. مدل «جی بیست به اضافه یک» با توجه به شرایط کنونی بین‌المللی می‌تواند مدلی مطلوب و امکان‌پذیر برای این اصلاحات نهادی باشد. در این مدل، گروه بیست، رهبری سیاسی را بر عهده می‌گیرد و آژانس‌های تخصصی سازمان ملل نقش مشاوره و اجرا را دارند. برای نمونه در حوزه امنیت بهداشت عمومی، رهبری سیاسی گروه بیست و مشاوره و اجرای سازمان بهداشت جهانی ممکن است منجر به الگوی جهانی مؤثرتر اقدام برای مقابله با تهدیدات امنیتی به شیوه‌ای فعال‌تر شود (Yaqing, 2020: 16). پنجمین سازوکار که می‌تواند مهم‌ترین ابزار احیای چندجانبه‌گرایی نیز باشد این است که سازمان‌های چندجانبه مجهز به سیستم پاسخ‌گویی مستقلی شوند تا ذی‌نفعان بتوانند زمانی که یک سازمان بین‌المللی مطابق با سیاست‌های تدوین شده عمل نمی‌کند از آن شکایت کنند. این سازوکار باید فقط بر کار آن سازمان‌ها متمرکز شود و توانایی تحقیق در مورد دیگر فعالیت‌های بازیگران عضو را نداشته باشد. همچنین برای معتبر بودن لازم است که مستقل از مدیریت سازمان‌ها باشد.

11. common aversion

12. The Coalition for Disaster Resilient Infrastructure

در مجموع برخی معتقدند حتی با فرض تأیید موافقان تضعیف فزاینده چندجانبه‌گرایی، شواهد نشان می‌دهد که در نظام آینده این سیستم سرانجام به شکلی جزئی‌تر و محدودتر با عنوان مینی چندجانبه‌گرایی یا چندجانبه‌گرایی خرد پدیدار می‌شود که به‌طور فزاینده‌ای مکمل و حتی احتمالاً جایگزینی برای چندجانبه‌گرایی خواهد بود. یکی از مهم‌ترین شکل‌های این نوع چندجانبه‌گرایی جدید بلوک‌های هویت‌محور از متحدان یا شریان هم‌فکر است. برخلاف چندجانبه‌گرایی که با هنجارهای سنتی سخت و ملاحظات ساختاری همراه است، چندجانبه‌گرایی خرد با همکاری کمترین تعداد کشورهای مورد نیاز برای داشتن بیشترین تأثیر ممکن در حل یک مسئله خاص و نیز رونق‌دادن به روابط غیررسمی و تقسیم موضوعات پیچیده سیاسی در دستور کارهای کوچک‌تر، سرعت، انعطاف‌پذیری و تجربی‌گرایی نوآورانه را به همراه دارد (2: Amalina and Nazia, 2021). به موازات این ویژگی‌ها، این شکل از همکاری تعهدات داوطلبانه را که در آن کشورها می‌توانند الگوی خود را دنبال کنند، جایگزین تعهدات الزام‌آور خواهد کرد. از نمونه‌های رواج این نوع چندجانبه‌گرایی می‌توان به اتحادیه جهانی واکسن و ایمن‌سازی،^{۱۳} صندوق جهانی مبارزه با ایدز، سل و مالاریا،^{۱۴} ابتکار شفافیت صنایع استخراجی^{۱۵} و سازمان مبارزه بین‌المللی برای ممنوعیت مین‌های زمینی^{۱۶} اشاره کرد.

با توجه به نیاز جامعه جهانی به چندجانبه‌گرایی برای غلبه بر چالش‌هایی که روزبه‌روز بر ماهیت فراملی بودن آن‌ها افزوده می‌شود، احیای این سیستم نه یک انتخاب که ضرورتی در نظام پسا کرونا خواهد بود، ضرورتی که می‌توان آن را ورود به سرزمین ال‌دورادو نامید. سرزمینی که در آن وابستگی شدید متقابل، چالش‌های فراملی، سست شدن نظم هژمون‌محور، ظهور و مسئولیت‌پذیری قدرت‌های میانی و... چندجانبه‌گرایی قوی، مؤثر و بهبود یافته‌ای برای زندگی جهانی را اجتناب‌ناپذیر خواهد کرد. اما وقوع این مسئله اگر غیرممکن نباشد، کار چندان ساده‌ای نیست. به همین دلیل سناریویی مطلوب است. به بیانی اگرچه کرونا به استعاره‌ای از فروپاشی یا تعدیل نظم کنونی تبدیل شده و نظم بین‌المللی مبتنی بر قواعد به‌طور فزاینده‌ای بی‌ماهیت شده است و دیگر مشخص نیست که قوانین چیست، چه کسی آن‌ها را تعیین می‌کند، چه اقتدار اخلاقی زیربنای آن‌ها است یا چه کسی از آن‌ها پیروی می‌کند و این

13. Gavi, the Vaccine Alliance

14. The Global Fund to Fight AIDS, Tuberculosis, and Malaria

15. The Extractive Industries Transparency Initiative (EITI)

16. International Campaign to Ban Landmines

بهترین و مطلوب‌ترین فرایند برای احیای نظم مطلوب است، اما مشکل آنجاست که حتی اگر بحران بودن نظم لیبرال واقعیت داشته و به حقیقت ببینند، نشانه‌های کمی از ظهور نظم جهانی جدید به جای آن وجود دارد و حتی در عوض خلأ راهبردی، سیاسی و هنجاری رو به رشد، حاکم است (Lo, 2020: 2).

۹. جمهوری اسلامی ایران و چندجانبه‌گرایی، راهبردها در نظم مطلوب پسا کرونا

وقوع انقلاب اسلامی در ایران زمینه‌ساز شکل‌گیری هویتی جدید شد که در عرصه سیاست خارجی مرزهای دوست و دشمن را از نو تعریف و به موازات آن مفهوم «بازگشت به خویشتن» را مطرح کرد (Shoab, 2016: 59). در راستای این بازگشت به خویش، مخالفت با آمریکا به‌عنوان ستون مهم ایدئولوژی، به پارادایم تعریف‌کننده سیاست خارجی ایران تبدیل شد (Posch, 2013: 15-16). در واقع هویت کلان جمهوری اسلامی بر پایه مفاهیم جدید و مبتنی بر نقشی که برای خود تا تحقق جهان متعالی قائل بود، دنیا را از نظر ساختاری به دو قطب متضاد خوب و بد، نور و تاریکی تقسیم کرد (Mozaffari, 1999: 11). این تقسیم‌بندی زمینه‌ی واگرایی با نظام بین‌الملل و تشدید تضاد بین ایران و بازیگران اصلی آن را به وجود آورد. از این رو ساختار به رهبری بازیگران اصلی آن در چهار دهه پس از انقلاب همواره گزینه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی را محدود کرده است. در چنین فضایی با وجود همه قالب‌های ایدئولوژیکی و ارزشی حاکم بر سیاست خارجی ایران و نیز تفاوت‌های ساختی و گفتمانی دولت‌های مختلف حاکم در ایران، رهبران جمهوری اسلامی همواره مخالف یک‌جانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل بوده و آن را مترداف با سلطه تعبیر کرده‌اند. بنابراین در کنار پارادایم‌های هویتی و ارزشی، تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی ایران همیشه گوشه چشمی به چندجانبه‌گرایی داشته‌اند. به بیانی، در فضای تقابلی ساختار به رهبری آمریکا علیه ایران، همه دولت‌های جمهوری اسلامی چندجانبه‌گرایی را رکنی محوری در میان اصول سیاست خارجی خود دانسته‌اند. اما برای اولین بار به‌صورت رسمی در دوران هشت ساله ریاست جمهوری خاتمی، چندجانبه‌گرایی به یکی از اصول سیاست خارجی ایران تبدیل شد. پیامد این اصل تأکید بر شعار «هم شمال و هم جنوب» بود. با این حال، تغییرات در سطوح داخلی و به‌ویژه منطقه‌ای و بین‌المللی سبب شد سیاست خارجی ایران بار دیگر پس از خاتمی مرحله جدیدی را آغاز کند که می‌توان آن را بازگشت به سیاست هویت‌محور و ایدئولوژیک تعریف کرد (Eksi and sezin uzun, 2018: 210).

دوباره با روی کار آمدن روحانی، تیم سیاست خارجی او نگاه ویژه‌ای به رویکرد چندجانبه‌گرا در راهبردهای خود داشت به شکلی که می‌توان برنامه جامع اقدام راهبردی را ره‌آورد این رویکرد دانست. فارغ از این اتکاهای موقت و حاشیه‌ای بودن چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی به دلیل همان غلبه گفتمان‌های آرمانی، امروزه وقوع بحران کرونا که به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان روابط بین‌الملل زمینه سست شدن قطبیت ساختار و نیز تسریع افول هژمونیک آمریکا و شاید انتقال قدرت از غرب به شرق را فراهم کرده، فرصتی بیش از گذشته پیش‌روی ایران برای ورود چندجانبه‌گرایی به سیاست خارجی آن ایجاد کرده است تا ضمن شکستن انحصار کشورهای غربی در مدیریت نظام بین‌الملل، برگ‌های بازی بیشتری در مقابل تحریم‌ها و راهبردهای کشورهای متخاصم در دست داشته باشد. در نتیجه، در دنیای پساکرونا، چندجانبه‌گرایی نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی در اولویت برای پیگیری منافع و اهداف ایران خواهد بود. رویکرد ابراهیم رئیسی در سیاست خارجی را می‌توان در قالب همین ضرورت برآورد کرد. به این معنا که نخست دوران ریاست او را می‌توان آغاز جداسازی سیاست خارجی جمهوری اسلامی از مذاکره با غرب به‌عنوان پارادایم مسلط بر راهبردهای سیاسی ایران دانست؛ دوم، تمرکز سیاست خارجی او بر «چندجانبه‌گرایی اقتصادی» و تقویت «سیاست همسایگی» در پیچه ورود به بازیگری در قالب سیستم چندجانبه‌گرا است. عضویت ایران در اولین سفر رئیسی در بیست‌ویکمین نشست سازمان شانگهای گامی در جهت تقویت همین سیاست است. با توجه به این رویکرد دولت رئیسی و فرصت‌هایی که بحران کرونا در مقابل قدرت‌های بالقوه‌ای مانند ایران قرار داده است، این قدرت‌ها می‌توانند با تجهیز خود به ابزار چندجانبه‌گرایی در تغییر نظم کنونی برای رفع آسیب‌های ماندگار آن سهیم شوند. زیرا این بحران ارزش‌ها و مفاهیم ضد هژمون را بیشتر از قبل نمایان و در دسترس قرار داده است. به همین دلیل به نمادی از فروپاشی یا تعدیل نظم کنونی تبدیل شده است. به‌رحال بحران کرونا نشان داد همه در دنیایی مشترک قرار داریم که عدالت به‌طور مساوی در آن تقسیم نشده است و باید حرکتی در جهت بازسازی نظم موجود به‌شکلی مطلوب صورت گیرد. در این زمینه با توجه به اینکه هیچ کشور تجدیدنظرطلبی به تنهایی توانایی اصلاح نظم جهانی را ندارد، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از قدرت‌های ناراضی از ساختار نظام بین‌الملل با توجه به پیشینه تمدنی و فرهنگی، موقعیت ژئوپلیتیکی، منابع ژئواکونومیکی و قدرت منطقه‌ای بودن خود و داشتن شاخص‌هایی مانند هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، تش‌زدایی، هنجارسازی و تعامل‌سازنده می‌تواند با کاربست برخی راهبردها به

شرح زیر در جهت ایجاد نظم مطلوب و حضور پررنگ‌تر در مدیریت مسائل جهانی در نظم پسا کرونا حرکت کند:

الف) سطح بندی ارزش‌ها: یکی از مهم‌ترین اقداماتی که باید حاکمیت به آن توجه کند سطح بندی ارزش‌های مرکزی و حاشیه‌ای است. به این معنا ارزش‌های اساسی همانند معرفی منطق واقعی انقلاب اسلامی، معرفی اندیشه تساهل، محبت، مدارا و صلح طلبی در فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی در اولویت قرار گیرند و در مراحل بعد و به‌ویژه در ارتباط با حوزه‌های فرهنگی و تمدنی مشترک ارزش‌های حاشیه‌ای که تحت تأثیر ایدئولوژی هستند در دستور کار قرار گیرند.

ب) اجماع بر سر یک نقش ملی: سطح بندی ارزشی می‌تواند تعریف یک نقش ملی تقریباً باثبات از جمهوری اسلامی را به دنبال خود داشته باشد. نبود یک نقش ملی مورد اجماع آن‌هم حداقلی سبب شده است در هر دوره‌ای یک دولت فرصت‌های دولت‌های قبل از خود را نایده بگیرد و حتی در برخی موارد آن‌ها را به‌عنوان تهدید تلقی کند. به بیانی ماهیت گوناگون نقش ملی در جمهوری اسلامی زمینه عدم شناسایی، اولویت بندی و آسیب شناسی مشکلات را به وجود آورده است. اجماع بر سر نقش ملی آن هم با وجود اسناد چشم اندازی که مسیر را مشخص کرده، سبب تسهیل تعریف اهداف کلان ملی و برآورده شدن اهداف تعریف شده در سندهای چشم انداز می‌شود.

پ) ایجاد و بهره‌گیری از اتاق‌های فکر: امروزه یکی از مهم‌ترین بازوهای تدوین، تصمیم و حتی راهبری اجرای سیاست خارجی در دنیا اتاق‌های فکر هستند. یکی از بزرگ‌ترین ضعف‌های سیاست خارجی ایران نداشتن همین اتاق فکر است که می‌تواند علاوه بر تخصصی شدن هرچه بیشتر و بهتر سیاست خارجی، سبب رفع بخش اعظمی از مشکلات دولت شود. همچنین این اتاق‌های فکر راه‌های جدید ارتباط با محافل رسمی و غیررسمی بیشتری برای اجرای سیاست خارجی و حل مسائل مرتبط با آن باز می‌کنند.

ت) تمرکز بر ابزارهای قدرت نرم: یکی از مهم‌ترین وجوه فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی وجه قدرت نرم آن است که هیچ‌گاه آن‌گونه که باید مورد توجه قرار نگرفته است. شناساندن این وجهه از چهره جمهوری اسلامی بازوی توانمندی در سطح جهانی برای ایران خواهد بود و حمایت افکار عمومی جهانی به‌عنوان ابزاری پرنفوذ را به دنبال خواهد داشت. برای این کار

می‌توان از اقداماتی مانند تأسیس و افزایش شبکه‌های تلویزیونی خارجی، توجه به مقوله صنعت توریسم، ارتباطات دانشگاهی بیشتر، تصویب جهانی آیین و سنت‌هایی همانند نوروز، شناساندن توانایی پزشکی کشور از راه دیپلماسی سلامت بهره گرفت.

ث) بهره‌گیری از دیپلماسی سلامت: یکی از وجوه بارز قدرت نرم جمهوری اسلامی توان پزشکی آن است. با اتکا به این قدرت و معرفی دستاوردهای آن به‌ویژه در بحرانی مانند کرونا در مقالات بین‌المللی، همیاری با سازمان‌های جهانی، کمک‌های پزشکی می‌توان فرصت‌های بیشتری در چارچوب چندجانبه‌گرایی برای حضور در ترسیم نظم مطلوب به‌دست آورد.

ج) افزایش نقش بازیگران غیردولتی: بحران کرونا بار دیگر اهمیت نقش آفرینی بازیگران غیردولتی در ساختار جهانی را برجسته کرد. بنابراین با توجه به ناکارآمدی فرایندهای نظارتی و حکمرانی جهانی که در ارتباط با دولت‌ها وجود دارد باید بیشتر به نقش ذی‌نفعان و بازیگران غیردولتی در مراحل خط‌مشی‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرا در اسناد بالادستی توجه شود. در این مسیر نهادهایی مانند جامعه‌المصطفی، مجمع تقرب مذاهب، مجمع جهانی اهل بیت می‌توانند با کشورهای دارای اشتراک هویتی بسیار مفید باشند.

نظم پساکرونا قطعاً فرصت‌ها و تهدیداتی را برای جمهوری اسلامی به همراه خواهد داشت و هرچه که رخ داد نظم پساکرونا به نظم مطلوب ترسیم‌شده نزدیک‌تر باشد تهدیدات کمتر و به همان میزان فرصت‌ها بیشتر خواهد بود. البته دامنه تهدیدات بیشتر در دوره زمانی بحران و ناشی از عوامل خارجی مانند تحریم‌ها و در نتیجه در بُعد اقتصادی بسیار ملموس بود. این مسئله سبب شد دولت با مشکل تخصیص مناسب منابع مالی محدود مواجه شود، به‌ویژه که به علت کارشکنی آمریکا از دریافت وام صندوق بین‌المللی پول و دریافت کمک‌های پزشکی و بهداشتی کافی نیز محروم شد. از مهم‌ترین فرصت‌های این نظم بعد از پایان بحران برای ایران می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. فضاسازی برای دورزدن تحریم‌ها؛ امکان وقوع شکل جدیدی از ساختار جهانی و تعاملات بین‌المللی که خارج از جهانی‌سازی مدنظر آمریکا باشد زمینه‌تأثیرگذاری کمتر و فراهم شدن راه‌های بیشتر دورزدن تحریم‌ها را برای ایران به همراه خواهد داشت؛ ۲. ایجاد دژ منطقه‌ای: انتقال قدرت از غرب به شرق بر پایه کنشگری چین با توجه به روابط راهبردی ایران با پکن و نیز تشدید تقابل بین آمریکا و چین، شکل‌بندی بلوک ضدآمریکایی به نفع ایران را هموارتر خواهد کرد؛ ۳. کسب اعتبار: یکی از قواعد و هنجارها برای بازیگران نظام بین‌الملل القای توانمندی

خود به دیگران از رهگذر کسب اعتبار است. جمهوری اسلامی ایران با وجود چالش‌هایی که در یک سال اول بحران کرونا داشت، پس از آن توانست با مدیریت و نیز ورود به عرصه دولت‌های با توانایی ساخت واکسن، خود را به‌عنوان بازیگری قابل در بحران‌ها نشان دهد؛ ۴. کسب تجربه برای ایجاد آمادگی در بحران‌های آینده: یکی از مهم‌ترین فرصت‌های پیش‌روی ایران در نظم پساکرونا تجربه سیاست خارجی آن برای داشتن نقش مؤثرتر در بحران‌های احتمالی مانند کرونا است. در این سطح اتکا به دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی سلامت، ایجاد روابط انعطاف‌پذیر با نهادهای بین‌المللی برای دریافت کمک، برجسته‌سازی رویکردهای ضدانسانی آمریکایا، استفاده از فضای مجازی و اپلیکیشن‌های کنترل و مراقبت و... از مهم‌ترین تجربه‌های اندوخته‌شده برای دوران پساکرونا و بحران‌های آینده است.

۱۰. نتیجه

چشم‌انداز آینده می‌تواند ضمن هم‌سویی نزدیک‌تر با شرایط رخ داده، به ایجاد سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌های بلندمدت کمک کند. از این‌رو هدف آینده‌پژوهی، دانستن آینده نیست، بلکه کمک به کاربست تصمیمات بهتر با روش‌هایی است که ما را وادار به پیش‌بینی فرصت‌ها و تهدیدها و در نظر گرفتن شیوه پرداختن به آن‌ها می‌کند. شاید مهم‌ترین دلیل برای استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی کمک به شناسایی مواردی است که نمی‌دانیم، اما باید بدانیم تا تصمیمات هوشمندانه‌تری بگیریم. در این مقاله تلاش کردیم نشان دهیم چندجانبه‌گرایی که در دهه‌های اخیر به دلایل متعددی دچار شکست و افول شده پس از کرونا چگونه خواهد بود. بررسی‌ها نشان داد در نظم آینده به دلیل وابستگی متقابل شدید و وقوع بحران‌های نیازمند اقدام هماهنگ فراملی، جهان نیازمند احیای چندجانبه‌گرایی اصلاح‌شده است.

سیاست‌های دوران شیوع و گسترش کرونا به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های جهانی سبب شده است احیای چندجانبه‌گرایی نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی مطلوب برای همه دولت‌ها باشد، زیرا این بحران زمینه درک تناقض‌ها و تبعیض‌ها را به وجود آورد. اما از آنجا که نظم جهانی هنوز شاهد خلأ راهبردی و هنجاری است این حرکت به سمت چندجانبه‌گرایی را باید نظامی مطلوب نامید که رسیدن به آن اگر غیرممکن نباشد، بسیار سخت خواهد بود. در این نظم مطلوب جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان قدرتی بالقوه نیازمند کاربست راهبردهایی مانند سطح‌بندی ارزش‌ها، اجماع بر سر نقش ملی واحد، تمرکز بر قدرت نرم و بهره‌گیری از

دیپلماسی سلامت است تا به روند شکل‌گیری نظمی پراکنده‌تر و چندجانبه‌گراتر برای تأمین بیش‌ازپیش منافع خود کمک کند.

قدردانی

این مقاله با حمایت دانشگاه خوارزمی تهران و صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور انجام شده است؛ بنابراین بر خود لازم می‌دانیم از معاونت پژوهشی دانشگاه خوارزمی و کارگروه علوم انسانی صندوق حمایت از پژوهشگران که تسهیلات لازم را برای انجام این پژوهش فراهم کردند صمیمانه قدردانی کنیم.

References

- Akalp, Muhammed (2020), COVID-19 and International Relations, In: Academic and Scientific Cooperation Project of Turkey(TABIP), Available at: <http://www.covid19.tabipacademy.com/2020/05/05/covid-19-and-international-relations/>[Access 30 may 2020].
- Alhammadi, Abdullah (2022), the Neorealism and Neoliberalism behind International relations during Covid-19, World Affairs, Vol. 185, No. 1, p 147-175.
- Allison, Graham (2020), The US-China Relationship after Coronavirus, IN: covid-19 and world order, edited by Hal Brands and Francis J. Gavin, Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- Amalina, Anuar, Nazia, Hussain (2021), Minilateralism for multilateralism in the post-COVID age, RSIS Policy Report[DOI: hdl.handle.net/10356/153194].
- Basrur, Rajesh, Kliem, Frederick (2021), Covid-19 and international cooperation: IR paradigms at odds, SN Social Sciences, Vol. 1, No. 12, p 1-10.
- Dasgupta, Soumit, Crunkhorn, Rosa (2020), A History of pandemics over the ages and the human cost, The Physician, Vol.6, No. 2, p 1-9.
- Eksi, Muharrem, sezin uzun, özüm (2018), Continuities and Changes in Iran's Foreign Policy: Analysis of Syrian Case, Bölgesel Araştırmalar Dergisi, Vol.1, No. 5, p 205- 228.
- Eyvazi, Mohammad Rahim (2015), Political Future Studies, The Scientific Journal of Strategy, Vol. 25, No. 79, pp 177-198.[In Persian]
- Farazi, Mahdi (2021), Function of Bilateral & Multilateral Diplomacy in combating the spread and management of Corona Virus: Case study of Iran's Ministry of Foreign Affairs, Vol. 4, No. 11, p 191-223.[In Persian]
- Frederico Pereira da Silva Gama, Carlos (2021), Broken Threads: Reshaping Multilateralism with COVID-19 under Way, In: E-International Relations, Available at: <http://www.e-ir.info/pdf/92061/>. [Access 3 May 2022]

- Grizold, Anton, Jaklič, Andreja (2021), Changing International Relations After the Covid-19 Pandemic: Managing the Growing Gap Between National and Multilateral Responses, Centre of International Relations, University of Ljubljana, p 979-989.
- Gupta, Nippun and et al (2021), COVID-19 Pandemic and Reimagination of Multilateralism through Global Health Diplomacy, Sustainability, Vol. 13, pp 1-12.
- Hicks, Kathleen (2020), Could the Pandemic Reshape World Order, American Security, and National Defense?, In: COVID-19 and World Order, edited by Hal Brands and Francis J. Gavin, Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- Hosseini, Mohammadtaghi (2021), Impact of Coronavirus Pandemic on International Relations, In: Institute for Political and International Studies (IPIS), Available at: <http://ipis.ir/en/subjectview/640958/Impact-of-Coronavirus-Pandemic-on-International-Relations>. [Access 8 September 2021]
- <https://ourworldindata.org/covid-cases>. [Access 30 June 2022]
- Jiemian, Yang (2020), Major Power Relations in a Post-Pandemic World Order, China Quarterly of International Strategic Studies, Vol. 6, No. 1, pp 1-18.
- Lo, Bobo (2020), World order in the time of coronavirus, In: The Interpreter, Available at: <http://www.lowyinstitute.org/the-interpreter/world-order-time-coronavirus>. [Access 16 September 2021]
- Maleki, Abbas (2016), scenario-based planning: a way to reduce decision-making problems, Development Strategy Quarterly, No. 8, pp 73-112. [In Persian]
- Mozafari, Ali (2008), future research of the platform of crossing the boundaries of knowledge, Quarterly of Order & Security Guards, Vol. 2, No. 4, number 4, pp 25-47. [In Persian]
- Mozaffari, Mehdi (1999), Revolutionary, Thermidorian and Enigmat Ic Foreign Policy: President Khatami and the Fear of the Wave, International Relations,

Vol. 14, No 5, pp 9-28.

Omid, Masoud (2020), COVID-19 Crisis and its Philosophical Challenges, The Quarterly Journal of Philosophical Investigations, Vol. 14, No. 31, p 77-107. [In Persian]

Posch, Walter (2013), The Third World, Global Islam and Pragmatis The Making of Iranian Foreign Policy, In: Stiftung Wissenschaft und Politik(SWP), German Institute for International and Security Affairs, Available at: http://www.swp.berlin.org/fileadmin/contents/products/.../2013_RP03_poc.pdf. [Access 9 July 2017]

Pugliese, Giulio (2020), COVID-19 and the Reification of the US-China Cold War, The Asia-Pacific Journal, Vol. 18, No. 3, p 1-10.

Saleh, Mohamed, El-Shishiny, Hisham (2008), A Survey on Futures Studies Methods, In: Conference Faculty of Computers & Information, Cairo University, Egypt, Available at: http://www.reserchgate.net/publication/238737064_A_Survey_on_Futures_Studies_Methods. [Access 23 July 2021]

Sayamov, Yury (2021), COVID-19 and the Global Problem of Human Security, World Academy of Art & Science Eruditio, Vol. 3, No. 1, p 12-20.

Schreiber, Deborah A., Berge, Zane L. (2019), Futures Thinking and Organizational Policy, Springer International Publishing, Switzerland: Palgrave Macmillan.

Shamsini, Hasan (2020), Effects of Coronavirus on Governance in Iran, National Interest Studies, Vol. 5, No. 19, p 67-47. [In Persian]

SHariati, shahrooz, Yousefi, Amin (2020), Corona Pandemic and Foreign policy of Iran: A Poliheuristic Overview, Journal of Political Science, Vol. 15, No, 58, p 119-146. [In Persian]

Shoab, Muhammad (2016), US-Iran Nuclear Standoff: A Constructivist Approach, Journal of Strategic Affairs, Vol. 1, No. 1, 49-73.

- Slaughter, Richard A. (1996), *New Thinking for a New Millennium*, New York: Routledge.
- Telò, Mario (2020), For a new multilateralism: reforming the UN governance through a driving role of the EU, In: *Reforming multilateralism in post-COVID times*, Editors Mario Telò, Foundation for European Progressive Studies [DOI: [feps europe.eu/attachments/publications/book_unitedforimultilateralism-264p_s.pdf](https://doi.org/10.26434/chemrxiv-2020-264p_s)].
- Torresi, Lucía Rodríguez (2021), *Post-Pandemic Multilateralism*, In: *The New Multilateralism in the Age of COVID-19 from the perspective of European Union-Latin America and Caribbean relations*, Germany: The EU-LAC Foundation [DOI: [pdf:eu-lac-asociacion-birregional-en-digital](https://doi.org/10.26434/chemrxiv-2021-264p_s)].
- United Nations (2020), *Global cooperation must adapt to meet biggest threat since Second World War, Secretary-General says on International Day, as COVID-19 transcends borders*, Available at: <http://www.un.org/press/en/2020/sgsm20058.doc.htm>. [Access 21 April 2022]
- Vaezi, Seyyed Kamal, Qomian, Mohammad Mehdi and Seyed Hossam Vaqfi (2016), *Futures Study in Humanities with Knowledge Management Approach; Considerations, Achievements and Effects*, *Quarterly Journal of Public Organizations Management*, vol. 5, No. 3, p 48-33. [In Persian]
- Yaqing, Qin (2020), *Cooperation: An Iron Law of the Development of a Community with Shared Future*, In: *How COVID-19 is Changing the World Order*, China Institute of International Studies [DOI: [ciis.org.cn/English/PUBLICATIONS/202009/W02020091450_5488550839.pdf](https://doi.org/10.26434/chemrxiv-2020-264p_s)].